

راز داوینچی

تیمور شاهینی

اگرچه بازیگران فیلم "راز داوینچی" همگی زیبا، خوش اندام، و حرفه‌ای هستند و داستان فیلم نیز بسیار سرگرم‌کننده و مهیج است، اما مسیحیان باید این فیلم را تحریم کنند زیرا کاملاً ضد عیسی مسیح است و بت‌پرستی را تبلیغ می‌کند.

فیلم با کشف جسد ژاک سونیر، سرایدار سالخورده موزه لوور پاریس آغاز می‌شود. سرایدار مُشرف به موت لحظاتی قبل از مرگ به هر زحمتی بود معمایی گیج‌کننده در مورد ماجرای قتل خود می‌نویسد به این امید که نوه‌اش سوفی نووو که متخصصی ماهر در زمینه زبان‌های رمزی است، آن را ببیند و پرده از ماجرا بگشاید. همین‌طور هم می‌شود. پلیس سوفی را به صحنه قتل فرا می‌خواند، و در آنجاست که وی با فردی به اسم روبرت لانگدان آشنا می‌شود که تاریخ‌دان هنر است و از آنجا که قرار بوده عصر روز قتل با سونیر ملاقات کند، مظنون اصلی در تحقیقات پلیس است. اما لانگدان و نووو از چنگ پلیس می‌گریزند و مابقی فیلم ماجرای تعقیب شدن آن‌هاست – از همان نوع فیلم‌های تعقیب و گریز رایج در سینما. اما در این ضمن، به تدریج پرده از راز معمای سونیر می‌گشایند و نه تنها ثابت می‌کنند که سونیر را یکی از عاملین کلیسای کاتولیک به قتل رسانده است، بلکه از کل تاریخ مسیحیت نیز تعریفی جدید ارائه می‌دهند.

در این فیلم، سونیر بنا به دستور کلیسای کاتولیک به قتل می‌رسد زیرا می‌داند که عیسی با مریم مجدلیه ازدواج کرده و از او فرزندی دارد. مریم مجدلیه در این فیلم نه تنها زنی پریشان حال نیست، بلکه در واقع زنی است اشراف‌زاده که خون پادشاهان اسرائیل در رگ‌های اوست. خواست عیسی این بود که مریم پس از او رهبر شود، اما مردانی که شاگرد عیسی بودند با او به مخالفت برخاستند و بنابراین مریم مجدلیه به فرانسه گریخت، و از آن پس اشیای متبرکه‌ی مربوط به او در دیرِ سیون (Priory of Sion) نگهداری می‌شده است. اتهام وارده این است که عیسی از ایده "مقدس بودن جنس زن" جانبداری می‌کرده است. بر اساس این ایده، جنس مؤنث دارای نوعی قداست است، و این قداست باید در آیین‌های نیایشی و پرستشی منعکس گردد. این فیلم حتی مدعی است که در دوران صدر مسیحیت، مسیحیان الهای را می‌پرستیدند و آیینی به اسم "آیین مادر بزرگ" رواج داشت، اما مردانی که می‌خواستند کلیسای مردسالانه تأسیس کنند چنین آیینی را به سرعت سرکوب کردند.

بر طبق نظرات این فیلم، پیروزیِ مردسالاری در کلیسا هنگامی کامل شد که کنستانتین که می‌خواست با استفاده از مسیحیت به امپراتوریِ رو به زوال خود سر و سامانی بدهد، عیسی را از یک انسان عادی به موجودی الهی ترفیع مقام داد و به تبع آن، هر گونه اشاره‌ای را نیز به ازدواج او با مریم به شدت سرکوب نمود تا منزلتِ الهی عیسی خدشه‌دار نشود. فیلم ادعا می‌کند که تمام این وقایع در شورای نیقیه به سال ۳۲۵ میلاد اتفاق افتاد.

این مطالب فیلم در تضاد آشکار با مسیحیت قرار دارد، زیرا می‌کوشد اعتبار و درستیِ اناجیل را زیر سؤال ببرد. در یکی از قسمت‌های فیلم، یکی از اساتید که به لانگدون و نووو ملحق شده است می‌گوید: «تقریباً هر چیزی که تا به حال راجع به مسیح شنیده‌ایم دروغ است». به عبارت دیگر، تمام مطالب عهدجدید سراسر کذب محض است. فیلم از این حد نیز فراتر رفته، ادعا می‌کند که پیروان عیسی امروزه نیز همچنان آماده‌اند برای محافظت از این دروغ‌ها مرتکب قتل شوند. خوشبختانه، به راحتی می‌توان ثابت کرد که نوشته‌های عهدجدید حداقل به سه دلیل کاملاً درست و موثق است: نخست آنکه نویسندگان این اناجیل، مطالب خود را با استناد به گزارش شاهدینی عینی نوشته‌اند. لوقا می‌گوید که شخصاً با شاهدین عینی سخن گفته است؛ انجیل یوحنا آشکارا بر اساس آن چه شاهدی عینی به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده نوشته شده است (یوحنا ۱۹: ۲۵)، و پطرس نیز می‌گوید که او خود جلال و عظمتِ منجی‌اش را شاهد بوده است. یوحنا در همین رابطه می‌گوید: «ما آنچه را که دیده و شنیده‌ایم به شما می‌گوییم». اگر بگوییم اناجیل دروغ‌اند، باید پذیریم که پیروان مسیح عمداً دروغ گفته‌اند و به خاطر مشتی دروغ نیز جان داده‌اند! گذشته از این، باید پذیریم که نه تنها رسولان و حواریون مسیح به خاطر مشتی دروغ جان دادند، بلکه پدران کلیسا در دوران صدر مسیحیت نیز همگی به همین خاطر از جان خود دست شستند. زیرا یوحنا رسول که شاهدی عینی بود، ایمان خود را به پلی‌کارپ منتقل کرد که در کهن‌سالی به خاطر ایمانش در آتش سوزانده شد. پلی‌کارپ نیز ایمان خویش را به ژوستین شهید منتقل کرد، و او نیز پیش از آنکه به این خاطر کشته شود، آن را به ایرنیوس منتقل نمود که نوشته‌هایش شالوده مسیحیت راستین را پی افکند. بنابراین آنچه با آن سر و کار داریم، سلسله‌ای زنجیره‌وار از شاهدینی عینی است که همگی حاضرند به خاطر شهادت‌شان در مورد عیسی بمیرند.

دلیل دوم این است که باستان‌شناسی همواره بر صحت مطالب عهدجدید مهر تأیید زده است. فردی به نام نلسن گلوک (Nelson Glueck) مدیر اسبق دانشکده دینی یهودی در سینسناتی واقع در آمریکا، که یکی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان دنیا و فردی یهودی است می‌نویسد: «به قطعیت

می‌توان گفت که تا به حال هیچ اکتشاف باستان‌شناسی نبوده که چیزی از نوشته‌های کتاب مقدس را نقض کرده باشد». سوم اینکه در حال حاضر بیش از ۱۳ هزار نسخه از اسناد مربوط به عهد جدید وجود دارد که قدمت برخی از آن‌ها به سال ۸۰ میلاد بازمی‌گردد. بنابراین احتمال اینکه ناگهان کسی تعلیم یا آموزه‌ای جدید وارد مسیحیت کرده باشد کاملاً بعید است، و حال آنکه این فیلم مدعی است در سال ۳۲۵ میلاد چنین اتفاقی افتاد!

از آنجا که عهد جدید کاملاً موثق و قابل اعتماد است، این خود فیلم است که کذب و دروغ را اشاعه می‌دهد. پیروان عیسی هیچگاه او را یک فرد معمولی نمی‌دانستند، بلکه از همان روزهای نخست الوهیت او را قبول داشتند. اگرچه عیسی دوست زنان بود، هیچ مدرکی دال بر اینکه او از پرستش جنس مؤنث جانبداری کرده باشد موجود نیست. برعکس، او همیشه از پیروان خود می‌خواست که خدا را پدر خطاب کنند. در مورد ازدواج او با مریم مجدلیه نیز هیچ سند و مدرکی وجود ندارد، و در هیچ‌یک از اناجیل نمی‌خوانیم که مریم از خانواده‌ای اشرافی بوده باشد.

اشاعه چنین دروغ‌هایی در مورد عیسی مسیح از سوی نویسنده و فیلم‌سازان، و قاتل خواندن پیروان او، نشان می‌دهد که آنان کاملاً با مسیحیت مبتنی بر کتاب مقدس سر ستیز دارند و به شواهد و قرائن تاریخی نیز به کلی بی‌اعتنایند. این اولین دلیلی است که مسیحیان باید این فیلم را تحریم کنند.

اما فیلم تنها درست بودن عهد جدید را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه به‌کرات این ایده را عنوان می‌کند که مذهب حقیقی‌ای که انسان را قادر می‌سازد با خدا ارتباط ایجاد کند، همانا آیین‌های مربوط به روابط جنسی است. بر اساس این فیلم، دین و مذهب در دوران باستان حول محور "ازدواج مقدس" دور می‌زد و رکن اصلی آن، پرستش الهه یا خدایی مؤنث بود. حتی در کتابی که فیلم بر اساس آن ساخته شده است چنین ادعا شده که اسم خدا در عهد عتیق، یعنی یهوه، ترکیبی است از سمبول‌های مردانگی و زنانگی. در خود فیلم نیز اشارات مکرری به ستاره‌های پنج رأس، گل سرخ، هرَم، چاقو و جام وجود دارد که نشانه‌هایی است از روابط جنسی و آیین‌های ویژه پرستش الهه. تصاویری از ادبیات، هنر، و معماری نیز در این فیلم به‌عنوان سمبول‌هایی از اتحاد جنسی معرفی می‌شود. در تمام طول فیلم پیوسته به صحنه‌ای تکان‌دهنده اشاره می‌شود که سوفی نووو در خانه پدر بزرگش دیده است. طبعاً کنجکاویم بدانیم این صحنه چیست، اما این موضوع تا انتهای فیلم فاش نمی‌شود. سرانجام متوجه می‌شویم که آنچه سوفی در منزل پدر بزرگ دیده، صحنه‌ای از آیین‌های نیایشی مربوط به روابط جنسی است: مردانی با لباس‌های سیاه و زنانی با جامه‌های

سفید در حالی که همگی نقاب بر چهره دارند دایره وار گرد هم حلقه زده‌اند و در حالت خلسه، دست‌های خود را به‌طور متناوب بالا و پایین می‌برند و آواز می‌خوانند. درست در مرکز این دایره، قربانگاهی وجود دارد که پدربزرگ سوفی لخت و عریان بر روی آن قرار دارد و زنی عریان پاهای خود را در دو طرف او نهاده، همگام با ضرباهنگ آواز می‌رقصد و بالا و پایین می‌رود. همانند توصیف سوفی از این صحنه، روبرت لانگدون نیز در کتابی که فیلم بر اساس آن تهیه شده است، این ایده را مطرح می‌کند که در واقع از طریق همین عمل جنسی است که مردم می‌توانند خدا را تجربه کنند: لانگدون می‌نویسد: «مرد از طریق ایجاد رابطه با زن به نقطه اوجی می‌رسد که در آن لحظه ذهنش کاملاً از خود بی‌خود می‌شود، و آن وقت است که می‌تواند خدا را ببیند».

عجیب نیست که کتاب و فیلم "راز داوینچی"، هم در غرب و هم در شرق تا بدین حد پرترفدار بوده است. مردم غرب از دهه ۱۹۶۰ به بعد شیفته مسائل جنسی بوده‌اند، و این تعلیم کلیسا را که روابط جنسی باید در چارچوب ازدواج باشد مردود شمرده‌اند. به همین جهت تعجبی ندارد که مشتاقان کتابی را بخوانند که به آن‌ها می‌گوید تعالیم کلیسا یکسره دروغ است و در واقع شیوه درست ارتباط با خدا، داشتن روابط جنسی است، حتی در ملاء عام! و باز جای تعجب نیست که انتشار چنین کتابی که اقتدار کتاب مقدس را زیر سؤال می‌برد، در سراسر دنیا با استقبال کسانی روبرو شده که به خدا ایمان ندارند و حتی منکر وجود او هستند، و با ابراز خرسندی برخی از پیروان سایر ادیان نیز مواجه شده است. خلاصه آنکه دشمنان کلیسا خواهند کوشید از طریق این فیلم، ایمان مسیحی را مورد حمله قرار دهند.

مسیحیان نباید از فیلم‌هایی که ایمان آن‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند، یا فیلم‌هایی که ابتدال و بی‌بند و باری جنسی را به‌عنوان مذهب حقیقی معرفی می‌کنند، حمایت کنند. به همین جهت باید فیلم "راز داوینچی" را تحریم کنند. پول مسیحیان می‌تواند به‌مصرف چیزهای بسیار بهتری برسد، و وقت‌شان نیز می‌تواند صرف هدایت کسانی شود که به تماشای چنین فیلمی می‌روند. زیرا آن‌چه تماشاگر در این فیلم می‌بیند صرفاً صحنه‌هایی مبتذل از روابط نامشروع جنسی است که هیچ معنای ماندگاری ندارد، و حال آن‌که آن‌چه در کتاب مقدس می‌بینیم، خدایی است که مرد و زن را دوست دارد، خواهان ارتباطی جاودان با آن‌ها است، ولو آنکه به‌خاطر آن از همه چیز خود بگذرد.